چون شب وارد می شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ»: «ما و تمام جهانیان، روز را برای الله به شب رساندیم؛ و حمد و ستایش از آنِ الله است؛ هیچ معبود بر حقی جز الله که یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد».

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که چون شب وارد می شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ»: «ما و تمام جهانیان، روز را برای الله به شب رساندیم؛ و حمد و ستایش از آنِ الله است؛ هیچ معبود بر حقی جز الله که یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد». راوی می گوید: به گمانم پیامبر صلی الله علیه وسلم در این دعا، این را هم می گفت که: «لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ، وَسُوءِ الكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ، وَعَذَابٍ في القَبْرِ»: «ملک و پادشاهی و حمد و ستایش برای اوست و بر هر چیزی قادر و تواناست؛ پروردگارا، از تو خیر آنچه در این شب و آنچه بعد از این شب است، می طلبم و از شرّ آنچه در این شب و بعد از آن است به تو پناه می جویم. پروردگارا، من از تنبلی و کسالت و ضعف و بدحالی کهنسالی به تو پناه می برم. پروردگارا، به تو پناه می برم از عذاب آتش دوزخ و عذاب قبر».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

راه و روش رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که با وارد شدن صبح و شام این دعاهای مبارک را می خواند؛ اینکه می فرماید: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ» یعنی درحالی وارد شب شدیم که همچنان ملک و پادشاهی برای الله بوده و مختص اوست؛ «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» یعنی همه ی حمد و ستایش ها برای الله است؛ به تعبیر دیگر یعنی: شب نمودیم و در آن دانستیم که ملک و پادشاهی و حمد و ستایش برای الله است نه غیر او؛ و «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» یعنی الله متعال در الوهیت یکتا و بی همتاست. اینکه می فرماید: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ» مراد از آن ذات شب می باشد. و «وخير ما فيها» مراد از آن خیری است که در شب رخ می دهد و خیر آنچه در شب استقرار می یابد؛ «وأعوذ بك من شرها وشر ما فيها» یعنی شری در شب ها وجود دارد؛ و شری که متوجه دین و دنیا می گردد. «اللهم إني أعوذ بك من الكَسَل» مراد احساس سنگینی در طاعات و عبادات با وجود توان انجام آنها می باشد؛ و این به دلیل عدم انگیزه درونی برای انجام خیر و خوبی با وجود توانایی و استطاعت آن می باشد. «وَسُوءِ الكِبَرِ» به معنای پیری و فرتوتی مفرط و از دست دادن عقل می باشد که منجر به از کار افتادگی برخی از اندام و ضعف و سستی در آنها می شود. شرایط و وضعیتی که انسان مقصود از حیات را - که علم و عمل است - از دست می دهد؛ و این به دلیل سن زیادی است که از بین رفتن عقل و اختلال حواس و از دست دادن کنترل و کوتاهی در انجام عبادات و عوارضی را به دنبال دارد که وضعیت انسان را دگرگون می کند؛ و با سکون باء نیز روایت شده است که به معنای طغیان به هنگام نعمت و برتر دیدن خود از دیگران می باشد؛ «وعذاب القبر» یعنی از خود عذاب قبر یا آنچه موجب آن می گردد. «وإذا أصبح» یعنی چون رسول الله صلی الله علیه وسلم صبح می کرد. «قال ذلك» یعنی همان کلماتی را که با فرارسیدن شب می گفت، تکرار می کرد. «أيضًا» با این تفاوت که به جای «أمسينا وأمسى الملك لله»، «أصبحنا وأصبح الملك لله» می گفت؛ و به جای روز، شب را ذکر می کرد و می گفت: «اللهم إني أسالك من خير هذا اليوم» و ضمایر بعدی را به همین ترتیب ذکر می نمود.